

نااطمینانی و استراتژی بهینه در مدیریت نقدینگی بانک‌ها

هادی احمدپور*

مقدمه

با توجه به ابلاغ بانک مرکزی به بانک‌ها مبنی بر لزوم تمرکز بیشتر بر روی مدیریت نقدینگی و تنظیم منابع و مصارف خود، به نحوی که در اعطای تسهیلات صرفاً از منابع قابل تجهیز خود بهره‌برداری کنند و از به‌کارگیری منابع بانک مرکزی اجتناب ورزند، اهمیت موضوع مدیریت نقدینگی بیش از پیش احساس می‌شود.

از سوی دیگر، با توجه به وجود ریسک‌های متفاوت (عملیاتی، اعتباری، بازار و قانونی) و همچنین مباحث مربوط به خصوصی‌سازی و بحث سودآوری، بانک‌ها در مورد مدیریت نقدینگی با نوعی نااطمینانی در انتخاب استراتژی بهینه مواجه می‌شوند، به طوری که در بحث تجهیز منابع، اگر هدف سودآوری باشد، می‌بایست هدفگذاری براساس جمع‌آوری منابع ارزان‌قیمت باشد که در آن صورت، با ریسک عدم پایداری اینگونه از منابع و سپرده‌ها مواجه می‌شوند و برعکس، اگر هدف کاهش ریسک باشد، می‌بایست به جمع‌آوری منابع و سپرده‌هایی اقدام نمایند که پایداری بیشتری دارند (سپرده‌های مدت‌دار) که این امر با افزایش هزینه عملیاتی همراه است.

از طرفی، در بخش تخصیص و توزیع (سپرده‌ها) یا منابع، اگر هدف سودآوری باشد، می‌بایست با توجه به سه وضعیت ممکن تغییر نرخ سود تسهیلات در آینده (افزایش، کاهش، ثبات) تخصیص منابع صورت پذیرد، که به ترتیب در صورت افزایش نسبت به تخصیص تسهیلات کوتاه‌مدت اقدام نماید؛ در صورت کاهش سود تسهیلات، به ارایه تسهیلات بلندمدت اقدام نماید، و در صورت ثابت بودن و برابری نرخ سود بی تفاوت باشد. اگر تخصیص منابع و ارایه تسهیلات با هدف جلوگیری از ریسک باشد، بانک می‌بایست نسبت به پرداخت تسهیلات کوتاه‌مدت اقدام نماید، زیرا تنها در این صورت است که ریسک اعتباری و بازار، به خاطر بازگشت سریع سرمایه، به حداقل می‌رسد. بدین ترتیب می‌توان به نوعی از افزایش نرخ ریسک پرداخت تسهیلات (نسبت مطالبات معوق به مصارف) کم کرد. با توجه به موارد فوق، این مقاله سعی دارد تا با ارایه



ریسک‌های عملیاتی ممکن است به نابودی بانک‌ها منجر شوند.

دیدگاه‌های نظری، مبحث جدیدی را جهت تجزیه و تحلیل و انتخاب بهترین استراتژی که هر دو دیدگاه (سودآوری و ریسک) را به طور همزمان در مدنظر دارد، ارایه نماید.

مدیریت نقدینگی

مدیریت نقدینگی، یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که سیستم بانکاری با آن روبرو است. دلیل اصلی این چالش آن است که بیشتر منابع بانک‌ها از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تامین مالی می‌شود. علاوه بر این، تسهیلات اعطایی بانک‌ها صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقدشوندگی نسبتاً پایینی دارند.

وظیفه اصلی بانک ایجاد توازن بین تعهدات مالی کوتاه‌مدت و سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت است. بدیهی است که ناکافی بودن مقدار نقدینگی، بانک را با خطر عدم توانایی در ایفاء تعهدات روبرو می‌کند و در نتیجه، بانک در معرض ورشکستگی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، نگهداری مقادیر

* کارشناس ارشد علوم اقتصادی (دانشگاه مازندران) - عضو مرکز فناوری اطلاعات و تحقیقات بانک صادرات گیلان

مدیریت نقدینگی، یکی از بزرگترین چالش‌هایی است که سیستم بانکاری با آن روبرو است.



اگر تخصیص منابع و ارایه تسهیلات با هدف جلوگیری از ریسک باشد، بانک می‌بایست نسبت به پرداخت تسهیلات کوتاه مدت اقدام نماید، زیرا تنها در این صورت است که ریسک اعتباری و بازار، به خاطر بازگشت سرمایه، به حداقل می‌رسند.

ویژگی‌های بدهی‌ها در بانک

سپرده‌ها: سپرده‌ها، معمولاً بخش بزرگی از بدهی‌های بانک‌ها را تشکیل می‌دهند. سپرده‌های مشتریان، نشان‌دهنده میزان وجوه پذیرفته شده از عموم، مانند پس‌انداز، سپرده‌های دیداری، سپرده‌های ثابت، سپرده‌های اعلام قبلی و سپرده‌های ارزی خارجی است. ساختار و ثبات سپرده‌ها بیشترین اهمیت ممکن را دارد و مراقبت‌های مضاعفی را می‌طلبد. میزان تراکم، زمان سررسید، پایداری و نوع ارز از موضوع‌هایی هستند که در زمان مصرف این منابع مورد توجه قرار می‌گیرند. رقابت برای تجهیز منابع، یک جریان عادی در بازار بانکی است و بیشتر سپرده‌گذاران - اعم از خانواده‌ها و شرکت‌ها - در نظر دارند که کارکرد و بازده وجوه خود را بیشینه سازند. بنابراین، لازم است بانک‌ها، خط‌مشی مناسبی را برای جذب و نگهداری سپرده‌ها در پیش بگیرند و رویه‌های بررسی تحلیلی را بر مبنای منظم بودن، پایداری و مشخص بودن ساختار سپرده‌ها تنظیم کنند تا در صورت وجود احتمال برداشت منابع، این تحلیل‌ها به صورتی کارآمد مورد استفاده قرار گیرند. تحلیلگران ساختار سپرده، باید درصد هسته پایدار (Hard Core)، ثبات فصلی بودن و نوسانات یا بی‌ثباتی سپرده‌ها را تعیین کنند.

(Greuning Bratanovic / ۲۰۰۰ / P. ۵۹)

وجوه بین بانکی (Interbank Funding): وجوه بین بانکی، شامل مبالغ بدهی به سایر بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری است. کلیه سپرده‌ها، وام‌ها و پیش‌پرداخت‌های بین بانک‌ها، به طور عادی به عنوان منابع تامین مالی ناپایدار یا بی‌ثبات تلقی می‌شوند. تجزیه و تحلیل وجوه بین بانکی ممکن است بر ساختار ویژه در سیستم بانکی دلالت کند. برای مثال، حالتی است که تامین نقدینگی یک گروه از بانک‌ها، توسط یکی از اعضای آن گروه صورت می‌پذیرد. ممکن است استقرار بین‌المللی شامل وام از بانک‌های خارجی، آژانس‌های گسترش صادرات در کشورهای مختلف و یا آژانس‌های پرداخت وام بین‌المللی به اضافه حساب‌های بین بانکی (Nostor Account) باشد. نمونه‌های غیرمستقیم شامل سفته‌ها، قبولی برات‌های وارداتی و اسناد تجاری با ظهرنویسی بانک‌ها، ضمانت‌نامه‌ها و بروات و یا

فراوان نقدینگی هم نوع خاصی از تخصیص ناکارآمد منابع است که باعث کاهش نرخ سوددهی بانک به سپرده‌های مردم و در نتیجه، باعث از دست دادن بازار می‌شود.

مدیریت نقدینگی به معنای توانایی بانک برای ایفای تعهدات مالی خود در طول زمان است. مدیریت نقدینگی در سطوح مختلفی صورت می‌گیرد:

(۱) اولین نوع مدیریت نقدینگی، به صورت روزانه صورت پذیرفته و به صورت متناوب نقدینگی مورد نیاز در روزهای آتی پیش‌بینی می‌شود.

(۲) دومین نوع مدیریت نقدینگی که مبتنی بر مدیریت جریان نقدینگی است، نقدینگی مورد نیاز را برای فواصل طولانی‌تر شش ماهه تا دو ساله پیش‌بینی می‌کند.

(۳) سومین نوع مدیریت نقدینگی، به بررسی نقدینگی مورد نیاز بانک در شرایط بحرانی می‌پردازد.

نکته‌ای که در این رابطه می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، همانا مباحث مربوط به هزینه و فایده پول است.

ویژگی‌های دارایی‌های نقدشونده در بانک‌ها

دارایی‌های نقدشونده یا سیال، دارایی‌هایی هستند که درجه نقدشوندگی بالایی دارند، و به سرعت به وجه نقد تبدیل می‌شوند. این دارایی‌ها برای رویارویی با نوسانات اقتصادی پیش‌بینی‌پذیر و پیش‌بینی‌ناپذیر اقلام ترازنامه در نظر گرفته می‌شوند. در شرایطی که بازارهای مالی، توسعه نیافته باشند و نقدشدن مطالبات مختلف بانک‌ها منحصرأ وابسته به زمان سررسید آنها باشد و هیچگونه قابلیت خریدوفروش وجود نداشته باشد، بانک‌ها به نگهداری مبالغ بالایی از دارایی‌های نقدی تمایل دارند تا متحمل پرداخت بهره نشوند یا نرخ بهره کمتری را پرداخت کنند. در چنین شرایطی، دارایی‌های نقدشونده، حداقل ۱۰ درصد و در حالت حد تا ۲۰ درصد از کل دارایی‌ها را شامل می‌شوند. شناخت کامل این بازارها به منظور انجام معاملات، الزامی است، زیرا اگرچه در برهه‌ای از زمان برخی از دارایی‌ها ظاهراً نقدشونده هستند، اما ممکن است در زمان‌های دیگر برای نقدکردن آنها مشکلات خاصی ایجاد شود. هدف اصلی از الزام به نگهداری دارایی‌های نقدشونده، کسب اطمینان از وجود جریان‌های مالی پیش‌بینی شده به منظور پرداخت به متقاضیان است. این سرمایه‌گذاری اجباری، ممکن است توان انعطاف‌پذیری مالی را کاهش و هزینه اعتبار داده شده به بخش‌های اقتصادی را افزایش دهد. با افزایش هزینه اعتبار، سطح ریسک مالی بانک نیز افزایش خواهد یافت.

در بسیاری از کشورها، رشد بازار مالی و افزایش پورتنوی (۱) سرمایه‌گذاری، عموماً منعکس‌کننده رشد وضعیت بانک‌ها به سوی انجام عملیات نامتعارف است. در چنین مواردی، پورتنوی سرمایه‌گذاری شامل انواع ابزارهای جایگزین کردن ریسک اعتباری با ریسک نوسانات قیمت بازار، به وسیله بانک‌ها است. (بختیاری / ۱۳۸۵)

اسناد تجاری تنزیل شده توسط بانک‌های خارجی در کشورهای مختلف است. وجود منابع خارجی عموماً نشان‌دهنده اعتماد بین‌المللی به اقتصاد کشور است.

(Greuning Bratanovic / ۲۰۰۰ / PP. ۶۹-۷۰)

نکات درخور توجه در تامین منابع از طریق وام‌های بین‌بانکی عبارتند از:

- (۱) این منابع معمولاً کوتاه‌مدت هستند و در هنگام بحران مالی مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- (۲) استفاده از این منابع، زنگ‌خطر است و ممکن است موجب کاهش اعتباری بانک شود.
- (۳) هزینه و حجم جذب منابع وام بین‌بانکی، رابطه‌ای قوی با درجه اعتبار بانک دارد.
- (۴) استفاده مکرر از این منابع، ممکن است باعث کاهش درجه اعتبار بانک شود.
- (۵) اعتبار بالاتر، منجر به هزینه پایین‌تر جذب این منابع می‌شود.
- (۶) اعتبار بالاتر، منجر به جذب حجم بالاتر این منابع می‌شود.
- (۷) جذب منابع از این طریق، معمولاً از ثبات نسبی برنامه‌ریزی‌ها می‌کاهد. (بختیاری / ۱۳۸۵)

انواع ریسک

در بانک‌ها همواره مباحث ریسک با مدیریت نقدینگی در ارتباطند. در ادبیات مدیریتی و بانک، از چهار نوع ریسک (عملیاتی، اعتباری، بازار، قانونی) یاد می‌شود:

(۱) ریسک عملیاتی: ریسک عملیاتی، عموماً ناشی از اشتباهات انسانی یا اتفاقات و خطای تکنیکی تعریف می‌شود. این ریسک شامل تقلب (موقعیتی که معامله‌گرها اطلاعات غلط می‌دهند)، اشتباهات مدیریتی و کاستی کنترل می‌شود. خطای تکنیکی ممکن است ناشی از نقص در اطلاعات، پردازش معاملات، سیستم‌های جابجایی یا به‌طور کلی، هر مشکل دیگری در سطح سازمان باشد. ریسک‌های عملیاتی ممکن است منجر به ریسک‌های اعتباری و بازار شوند. به‌عنوان مثال، یک اشتباه عملیاتی در معامله تجاری مانند عدم انجام جابجایی، ممکن است ریسک بازار یا ریسک اعتباری را ایجاد کند، زیرا هزینه آن به تغییرات قیمت بازار وابسته است.

(۲) ریسک اعتباری: ریسک اعتباری از این واقعیت ریشه می‌گیرد که طرف قرارداد، نتواند یا نخواهد تعهدات قرارداد را انجام دهد. ضررهای ناشی از ریسک اعتباری ممکن است قبل از وقوع نکول واقعی طرف قرارداد رخ دهند. به‌طور کلی‌تر، ریسک اعتباری را می‌توان به‌عنوان ضرر محتمل که در اثر یک رخداد اعتباری اتفاق می‌افتد، بیان کرد. رخداد اعتباری زمانی واقعی شود که توانایی طرف قرارداد در تکمیل تعهداتش تغییر کند. ریسک اعتباری، یکی از مهمترین عوامل تولید ریسک در بانک‌ها و شرکت‌های مالی است. این ریسک از این جهت ناشی می‌شود که دریافت‌کنندگان تسهیلات توانایی بازپرداخت اقساط بدهی خود به بانک را نداشته باشند.

(۳) ریسک بازار: ریسک بازار در اثر نوسانات قیمت

دارایی‌ها در بازار ایجاد می‌شود. توضیح اینکه، اشخاص حقیقی و حقوقی دارایی‌های خود را به صورت‌های مختلف مانند پول نقد، سهام، اوراق قرضه، مسکن، طلا و سایر دارایی‌های باارزش نگهداری می‌کنند. تمام این دارایی‌ها نیز در معرض تغییرات قیمت قرار دارند، و این نوسانات قیمتی مداوم، عامل اصلی ایجاد ریسک بازار هستند. ریسک بازار که یکی از عوامل اصلی ایجادکننده ریسک می‌باشد، به همراه ریسک اعتباری، نقش اصلی را در بیشتر ورشکستگی‌ها ایفا می‌کند.

بحران‌های پیاپی و پیوسته مالی ناشی از ریسک مالی که در دو دهه اخیر در مقاطع مختلف در سطح جهان روی داده‌اند، لزوم مدیریت یکپارچه و کمی ریسک مالی با تمرکز بر ریسک بازار و ریسک اعتباری را بیش از پیش مطرح ساخته‌اند.

ریسک نرخ ارز هم یکی از ریسک‌های زیرمجموعه ریسک بازار است که به علت تغییرات نرخ ارز روی می‌دهد. اهمیت این ریسک هنگامی افزایش می‌یابد که بخش قابل توجهی از پرتفوی شرکت، متشکل از یک ارز و یا ارزهای گوناگون براساس وضعیت بازار (سیدارزی) باشد. حالت دیگری که باعث ایجاد ریسک نرخ ارز می‌شود، هنگامی روی می‌دهد که بانک مبادلات ارزی قابل توجهی داشته باشد و یا اینکه در مورد بانک‌ها، سپرده‌های ارزی دریافت نموده و همچنین تسهیلات ارزی پرداخت نماید.

(۴) ریسک قانونی: ریسک قانونی زمانی مطرح می‌شود که یک معامله از نظر قانونی قابل انجام نباشد. ریسک قانونی در کل با ریسک اعتباری مرتبط است زیرا طرفین معامله در صورت زیان در یک معامله، به‌دنبال بستر قانونی برای زیرسوال بردن اعتبار معامله می‌گردند. این ریسک می‌تواند به صورت شکایت سهامداران علیه شرکتی که ضررده باشد، ظاهر شود.

ریسک‌های قانونی از طریق سیاست‌هایی که قسمت

هر معامله یا خدمتی که بانک‌ها انجام می‌دهند، دارای ریسک است.

ناکافی بودن مقدار نقدینگی، بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات روبرو می‌کند و در نتیجه، بانک در معرض ورشکستگی قرار می‌گیرد.



هزینه و حجم جذب منابع بین المللی، رابطه‌ای قوی با درجه اعتبار بانک دارد.

نگهداری مقادیر فراوان نقدینگی، نوع خاصی از تخصیص ناکارآمد منابع است که باعث کاهش نرخ سوددهی بانک به سپرده‌های مردم و در نتیجه، باعث از دست دادن بازار می‌شود.

حقوقی موسسه با مشاوره مدیر ریسک و مدیریت سطح بالا اعمال می‌کند، کنترل می‌شوند. موسسات باید مطمئن باشند که قراردادهایشان با طرفین قابلیت اجرا دارند. با این حال، وقتی که پای زیان‌های بزرگ در میان باشد، کشمکش‌های هزینه‌بر به وجود می‌آیند، زیرا منافع زیادی درگیر است. ریسک قانونی که "ریسک حقوقی" نیز نامیده می‌شود، یکی از ریسک‌های اثرگذار بر فعالیت شرکت‌ها است. دو عامل مهم در میزان ریسک حقوقی تاثیرگذار هستند: عامل اول ایجادکننده ریسک حقوقی، نوع و ساختار قوانین، روند قانونگذاری، و همچنین تغییرات قوانین می‌باشد. عامل دوم ایجادکننده ریسک حقوقی نیز روابط حقوقی بین بانک و اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط با بانک است.

مدیریت ریسک و نقدینگی

هر معامله یا خدمتی که بانک‌ها انجام می‌دهند، دارای ریسک است. ریسک‌هایی که بانک‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند، از کوتاهی در روند امور و ناموفق بودن سیاست‌ها و یا نارسایی‌های سیستم ناشی می‌شوند. همه اینها ممکن است باعث از دست رفتن مشتریان و فرصت‌های تجاری و شاید هم منجر به پرداخت غرامت شوند. اگر بانک‌ها در روش‌های تامین مالی و قیمت‌گذاری ارزش خدمات اشتباه کنند، در معرض ریسک قرار خواهند گرفت. بنابراین، بانک‌ها به آگاهی کامل و جامع از بهای تمام‌شده منابع مالی و خدمات خود نیاز دارند. (Hitchins, Hogg and Mallet / ۲۰۰۱ / p. ۵۹)

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی در اثر ناتوانی یک بانک در تادیه و کاهش بدهی‌ها یا تامین منابع برای افزایش دارایی‌ها به وجود می‌آید. در مواقعی که بانک از نقدینگی کافی برخوردار نباشد، نمی‌تواند با سرعت و هزینه معقول، منابع لازم را از محل افزایش بدهی یا تبدیل دارایی به وجه تأمین کنند. این امر بر سودآوری بانک اثر می‌گذارد. در شرایط بحرانی، نداشتن نقدینگی کافی حتی منجر به ورشکستگی بانک می‌شود. (Basel Core Principles / ۱۹۹۷ / p. ۲۲)

بانک‌ها به منابع مطمئن برای تامین وجوه مورد نیاز خود دسترسی دارند. آنها می‌توانند وام‌های درازمدت پرداخت کنند، حتی اگر این وام‌ها از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تامین مالی شده باشند. آنها از این واقعیت که نرخ بهره در اوضاع و شرایط عادی (هم بهره پرداختی و هم بهره دریافتی) رابطه مستقیم با مدت وام و سپرده دارد، سود می‌برند. اما به‌هرحال، به‌علت عدم تطابق سررسید دارایی‌ها (وام‌ها) و بدهی‌ها (سپرده‌ها)، بانک‌ها به‌طور مستمر با ریسک نقدینگی روبرو هستند. این ریسک هنگامی پدید می‌آید که سپرده‌ها - اعم از اینکه از بازار عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی دریافت شده باشند - سررسید شوند و سپرده‌های جدید برای جایگزینی آنها وجود نداشته باشند. در چنین شرایطی، بعید است که با بازپرداخت وام‌ها بتوان این تفاوت را جبران کرد. بنابراین، جریان خروجی نقدی بیشتر از جریان

ورودی نقدی خواهد شد و این، بدان معنی است که بانک باید بین پرداخت نرخ‌های بالاتر بهره برای جذب سپرده‌های جدید، فروش تعدادی از دارایی‌های مالی که به‌سرعت در بازار نقدشونده هستند، و یا فروش دارایی‌های با نقدینگی کم مانند وام‌ها با قیمتی پایین‌تر که منجر به زیان می‌شوند، یکی را انتخاب کند. بانک‌ها ریسک نقدینگی را به‌طور سیستماتیک و منظم از طریق تطابق نمودار سررسید آنها و با نگهداری ذخایر نقد از قبیل وجه نقد نزد سایر بانک‌ها و اوراق بهادار دولتی قابل فروش در بازار، مدیریت می‌کنند. آنها ممکن است که امکانات آماده و پشتیبانی متقابل بین‌بانکی داشته باشند تا در صورت بروز مسایل نقدینگی، به‌صورت موقت متعهد پرداخت وام به یکدیگر باشند. در حالتی که کل بازار مالی تنش داشته باشد، معمولاً امکان دریافت وام از آخرین پناهگاه، یعنی بانک مرکزی، وجود دارد.

(Hitchins, Hogg and Mallet / ۲۰۰۱ / pp. ۲۰-۲۱)

با استفاده از روش تبدیل دارایی‌های مالی به اوراق بهادار (Securitization Asset) از طریق صدور اوراق مالی مشتقه همراه با قراردادهای تسهیلاتی اعطایی (طراحی اختیار فروش در میان قراردادهای - Long Put on the Contracts) ، می‌توان ریسک نقدینگی را تا حد زیادی در بانک‌ها مدیریت کرد. یکی از ویژگی‌های مهم بانک، داشتن توان نقدینگی بالاست و زمانی که از میزان دارایی‌ها یا توان نقدینگی بالا کاسته شود، بانک با ریسک نقدینگی روبرو می‌شود، یعنی در پرداخت بدهی‌ها در سررسید ناتوان می‌شود.

هامپتون (Hampton) دلایل مهم نگهداری نقدینگی در بانک‌ها را نیازهای معاملاتی روزانه، نیازهای احتیاطی (Speculative Balance) در موارد غیرمنتظره و نیاز به وجه نقد در شرایط خاص می‌داند. از نظر تئوری حسابداری، سطوح مختلف نقدینگی به شرح زیر بیان می‌شوند:



وجود منابع خارجی، عموماً نشان دهنده اعتماد بین‌المللی است.

(۱) توان نقدینگی (Liquidity): توان نسبی واحد انتفاعی در تبدیل دارایی‌ها به وجه نقد یا نزدیکی دارایی‌ها به وجه نقد.

(۲) توان واریز بدهی‌ها (Solvency): توان واحد انتفاعی در تحویل وجه نقد برای پرداخت کلیه بدهی‌های خود در سررسید. توان واریز بدهی‌های یک بانک، بقا و تداوم فعالیت آن را امکان‌پذیر می‌سازد و ناتوانی در واریز بدهی‌ها، ممکن است به توقف یا ورشکستگی و انحلال آن منجر شود.

(۳) انعطاف‌پذیری مالی (Financial Flexibility): توان واحد انتفاعی در تامین وجه نقد در فاصله کوتاهی از زمان دریافت اطلاعات درخصوص نیازمندی‌های مالی پیش‌بینی‌نشده یا پیداشدن فرصت مناسب برای سرمایه‌گذاری. توان نقدینگی، واریز بدهی‌ها و انعطاف‌پذیری مالی، سه سطح از مدیریت نقدینگی می‌باشند که ترکیب و ساختار ترازنامه، اثر مستقیمی بر روی آنها می‌گذارد. شایان ذکر است که مفهوم انعطاف‌پذیری مالی، وسیعتر از مفهوم توان واریز بدهی‌هاست و توان واریز بدهی‌ها نیز مفهومی وسیعتر از توان نقدینگی دارد.

عواملی که ممکن است به صورت کلی ریسک نقدینگی را افزایش دهند، عبارتند از:

(۱) سوءمدیریت اقتصادی از سوی دولت و شرایط عمومی عدم اطمینان اقتصادی.

(۲) تحلیل رفتن تدریجی اعتماد به سیستم بانکی در یک کشور.

(۳) تحلیل رفتن تدریجی اعتماد به یک بانک.

(۴) وابستگی به یک یا چند طرف تجاری محدود برای دریافت سپرده‌ها، افزایش کوتاه‌مدت و پرداخت وام درازمدت.

برای کاهش یا خنثاسازی این عوامل، می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:

(۱) تنوع در انواع سپرده‌ها و به حداقل رساندن تمرکز روی یک منبع از سپرده‌ها.

(۲) کاهش اتکا به دریافت وجوه در بازار بین‌بانکی.

(۳) دسترسی به وجوه از شریکان مربوط.

(۴) نگهداری سطح مناسبی از دارایی‌های نقد.

(۵) بیمه سپرده‌ها که از سلب اعتماد جلوگیری می‌کند.

(۶) کنترل مدیریت بر تطابق ساختار سررسید دارایی‌ها و بدهی‌ها و نظارت بر وام به سپرده‌ها.

(۷) دسترسی به خطوط اعتباری آماده از سایر بانک‌های بزرگ و یا بانک مرکزی در موقع اضطراری و غیرمنتظره.

(Hitchins, Hogg and Mallet / ۲۰۰۱ / pp. ۲۱-۲۲)

بدیهی است که نظام مالی هر کشور، نقش بسیار مهمی در سلامت، رشد و موفقیت اقتصاد کشور دارد. نهادهای مالی شامل بازارها و موسسه‌های مالی، به‌عنوان نهادهای واسطه‌ای، نقش موثری را در تامین، تجهیز، توزیع و تخصیص منابع مالی ایفا می‌کنند. هر کشوری که دارای سیستم مالی پیشرفته‌تری باشد، می‌تواند ثبات مالی خود را در سطح ملی و بین‌المللی حفظ کند. (فرجی / ۱۳۸۱ / صفحه ۱۵)

متنوع ساختن دارایی‌های بانک‌ها در سراسر جهان باعث می‌شود که مدیریت ریسک در بانک بهبود یابد و در نتیجه، سودآوری و ارزش افزوده سهامداران بالا رود.

یکی از مشکلات کنونی بانک‌ها، داشتن دارایی‌های متعارف است که قابلیت عرضه در بازار را ندارند. هنگامی که بانک‌ها دارایی‌های خود را به اوراق بهادار تبدیل می‌کنند، وظایف متعارف آنها دگرگون می‌شود و دارای ساختاری می‌شوند که آن را ساختار عبوری می‌نامند. با تبدیل دارایی‌های معامله‌ناپذیر به دارایی‌های معامله‌پذیر در بازار، قدرت راهبردی و مدیریت و برنامه‌ریزی بانک‌ها افزایش می‌یابد و باعث می‌شود که:

(۱) مدیریت نقدینگی بانک‌ها بهبود یابد و ریسک نقدینگی کم شود.

(۲) کیفیت دارایی‌ها، از جمله وام‌ها، افزایش یابد و در نتیجه، از ریسک اعتباری کاسته شود.

کاهش میزان دارایی‌های موزون شده بر مبنای ریسک، نسبت کفایت سرمایه در بانک‌ها را بهبود می‌بخشد.

اگرچه اصول فوق برای تمامی بانک‌ها وجود دارند، اما علاوه بر موارد بالا، به دلایل زیر، ریسک نقدینگی در بانک‌های اسلامی بالا می‌باشد:

(۱) ارایه تسهیلات و سرمایه‌گذاری‌ها با سررسیدهای نسبتاً درازمدت.

(۲) جذب منابع به صورت سپرده‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت.

(۳) نبود بازارهای ثانویه فعال (قدرت نقل و انتقال) برای وام‌ها و تسهیلات اعطایی.

(۴) پایین بودن توان نقدینگی دارایی‌های مالی اسلامی.

ادامه دارد

زیرنویس

(۱) سبد سهام یا پرتفوی، ترکیبی مناسب و یا مجموعه‌ای از سهام است که توسط فرد یا شرکتی خریداری می‌شود.

یکی از دلایل مهم و موثر در بروز ریسک نقدینگی، سوء مدیریت اقتصادی از سوی دولت و نااطمینانی نسبت به شرایط عمومی اقتصادی است.